

گنجینه اسلام

خورشید، چون گویی سرخ و بزرگ، در حالی که به آهستگی از فراز افق بالا می‌آمد، آرام آرام شهر کویری تاریک را روشن می‌ساخت و شعاعهای نورانش که با غبار ناشی از تاخت و تاز گروهی سوارکار در آمیخته بود، هم‌چون توده ابری سرخ و طلایی به نظر می‌رسید. تاریخ رویداد، ۶۲۲ میلادی و مکان کشور عربستان بود. آن سواران هم محمد (ص) و پیروانش بودند که از شهر مکه هجرت کرده بودند. این صحنه به ظاهر معمولی، در اصل واقعه مهم و برجسته‌ای در تاریخ جهان — واقعه هجرت و یا عزیمت محمد (ص) از مکه به یثرب — بود که نخستین سال تاریخ اسلام را رقم زد. محمد (ص) که تا چندی پیش یک بازرگان بود و کاروان تجار را رهبری می‌کرد، به یک پیشوای مذهبی تبدیل شده بود و پیروانش را به سوی شهر یثرب که بعدها "مدینه النبی" — شهر پیامبر — خوانده شد، هدایت می‌کرد.

ظهور اسلام از دوازده سال پیش شروع شد که در مکه، محمد (ص) آشکارا به تبلیغ دین اسلام پرداخت، و شهادت داده بود که "خدا یکی" است. او پس از سالها نارضایتی از اوضاع نابسامان دینی و مذهبی شهر مکه، آرزو داشت مذهب "ابراهیم" و یکتا پرستی را بار دیگر زنده کند.

در آن زمان آیین بت پرستی (چندخدایی) در عربستان رواج داشت و البته گروههای کوچکی هم مسیحی و یهودی بودند که بعدها به عنوان صاحبان کتاب شناخته شدند، اما مکه از نظر اقتصادی پُر رونق بود، ولی به اصول مذهبی و دینی توجهی نداشت. در نتیجه، جماعت شهر، آمادگی پذیرش تعلیمات محمد (ص) و شرایط مساعد را نداشت. محمد (ص) ضد بت پرستی و تجمل گرایی و ثروت اندوزی که به قیمت هر چه فقیرتر شدن فقرا حاصل می‌شد، قیام کرد و مردم را به پرستش خدای یگانه دعوت کرد. پیدا است که اقدامهای او در چنین شهری، نه تنها او را نزد مردم به ویژه ثروتمندان، محبوب نساخت، بلکه ایشان را به دشمنی و آزار و اذیت وی برانگیخت. آزار و شکنجه محمد (ص) و پیروانش از سوی کفار هر روز بیشتر می‌شد تا این

که در آن روز سرنوشت ساز سال ۶۲۲ م. شرایط موجود، او را مجبور به ترک شهر مکه ساخت. محمد (ص) معتقد بود که از جانب خدا و برای رسانیدن فرمانهای الهی به مردم، برانگیخته شده است. سالها بود که نخستین فرامین و پیامها را از سوی خداوند دریافت می کرد. دستورهایی که بعدها به صورت مکتوب درآمد و قرآن — کتاب مقدس مسلمانان — نام گرفت. مسلمانان باور دارند که خداوند که همان "الله" است، یگانه است و محمد پیامبر او است. البته ایشان وجود پیامبران دیگر نظیر ابراهیم، موسی، و عیسی را در دورانهای گونه گونه انکار نمی کنند، ولی معتقدند محمد، پیامبری است که آخرین فرستاده خداوند است و پیامهای خدا در قرآن، تا ابد و بدون کوچکترین تغییر و تحریف، باقی خواهد ماند و نیاز به هر گونه پیامبر و یا کتاب آسمانی دیگر ضرورت ندارد. مسلمان معتقد است که اسلام دین الهی است (مطیع خواسته او هستیم) و با اعتقاد به پنج اصل اساسی اسلام، فرایض خود را به جای می آورد: نخست، بیان جمله "لا اله الا الله محمد رسول الله" یعنی "نیست خدایی جز خدا و محمد رسول او است". دویم، اقامه و ادای نمازهای واجب، پنج نوبت در روز. سوم، انجام فریضة زکات که نوعی صدقه مذهبی است و مقدار آن برابر ۲/۵ در صد درآمد سالانه شخص می باشد. چهارم، انجام فریضة روزه در تمام طول ماه رمضان. پنجم، فریضة حج، زیارت کعبه در مکه، که هر فرد مسلمان مستطیع حداقل یک بار در طول زندگی، بایستی به جا آورد. هم چنین مسلمان باید هفت مورد دیگر را هم در نظر داشته و به آنها اعتقاد داشته باشد: یگانگی خدا، وجود فرشتگان، کتابهای آسمانی، پیامبران الهی، روز قیامت و روز جزا و سرانجام این که علت اصلی و تامة برای تمامی پدیده های جهان چه خوب و چه بد، اراده الهی است، ولی هر کس خود مسؤول اعمال خویش است.

اسلام صرفاً یک دین نیست، بلکه راهنمای راه و روش زندگی است. آمیزه ای است شگفت انگیز از دین، فلسفه، و احکام اجتماعی و سیاسی که همه در یک قالب در هم تنیده شده اند. قرآن حکم می کند که چگونه باید زیست، و در واقع چهارچوب امور مجاز و غیر مجاز را مشخص می کند. به جز قرآن که کلام خداوند است، نقل قولهای دیگری هم از محمد (ص) جمع آوری شده به نام "حدیث" که شامل تعالیم و گفتار و احکام داوری و قضاوتهای او است که البته هیچ یک در قرآن ذکر نشده اند. در واقع این دو — قرآن و مجموعه حدیث پیامبر — پایه های اساسی اتحاد و همبستگی ابدی شرق نزدیک، شرق میانه، شمال آفریقا، اسپانیا، و هند، زیر درفش اسلام بوده است.

اما مسأله هجرت، آزار و شکنجه مسلمانان از جانب کفار، روز به روز افزایش می یافت تا این که ساکنان شهر یثرب که موضوع رسالت محمد (ص) را می دانستند، او را به شهر خود دعوت کردند. در زمانی کوتاه، تعداد زیادی از اهالی شهر، به او ایمان آورده و مسلمان شدند.

هجوم و حمله‌های مکرر سپاه اسلام به کاروانهای تجاری مکه در آغاز شدید بود و سرانجام پس از درگیریهای تأثیر گذار، مکه به محاصره سپاه اسلام درآمد، و این سرآغاز وحدت عربستان زیر درفش اسلام بود، و طی چند سال، دین اسلام در سراسر کشورهای همسایه نیز گسترش یافت. خیلی زود محمد (ص) پُر قدرت‌ترین مرد عرب شد و این قدرت، او را قادر می‌ساخت بدون جنگ و خونریزی با غلبه و شکست و محاصره، بتواند پیامهای الهی را به نواحی گونه‌گون ابلاغ کند و ایشان را به تسلیم و سرسپردگی در برابر دین اسلام، فرا خواند. دو شرط اساسی این پیمان انجام نماز جماعت و فریضة زکات بود.

در ۸ ژوئن ۶۳۲ م. / ۱۱ هـ. ق. زمانی که محمد (ص) رحلت فرمود، حدود دو سوم قبیله‌های عرب مسلمان شده بودند. پس از وفات محمد (ص)، ابوبکر با عنوان خلیفه (جانشین خداوند در زمین) رهبری مسلمانان را بر عهده گرفت.

ابوبکر پس از حدود دو سال خلافت درگذشت و عمر جای او را گرفت. در زمان عمر مقدمات گسترش مرزهای عربستان تا سوریه، عراق، ایران، مصر سفلی، و بخشی از سواحل افریقای شمالی فراهم شد. گسترش و توسعه شگفت‌انگیز اسلام توسط عربان، به حق قابل توجه است چرا که مقارن با مرگ عمر در سال ۶۴۴ م. / ۲۴ هـ. تمام سرزمینهای ذکر شده به تصرف عربان درآمد بود، و کمتر از یک سده پس از رحلت محمد (ص) درفش اسلام از اسپانیا تا آسیای مرکزی به اهتزاز درآمد.

پس از عمر، عثمان که یکی از افراد بنی امیه — از قبایل مکه — بود، بر مسند خلافت تکیه زد. در زمان او قلمرو عربان هم‌چنان گسترش یافت. از طرف شمال، عراق تا ارمنستان و قفقاز؛ در غرب، تا قبرس و نواحی شمالی افریقا؛ و در شرق تا افغانستان و حتّاً تا دره سند در هند گسترش پیدا کرد. عثمان در ۶۵۶ م. / ۳۵ هـ. کشته شد و علی بن ابی طالب، پسر عم و داماد پیامبر (ص) چهارمین خلیفه مسلمانان شد. از این به بعد دوره نارضایتی و شکایت در داخل سرزمینهای فتح شده آغاز گردید و آنچه به نظر می‌آمد چیزی شبیه جنگهای داخلی بود. حضرت علی (ع) در ژانویه ۶۶۱ م. / ۴۰ هـ. به شهادت رسید. با شهادت او خلافت به خاندان بنی امیه بازگشت و مرکز حکومت از مدینه به دمشق انتقال داده شد.

خلافت امویان از ۶۶۱ - ۷۵۰ م. / ۴۰ - ۱۳۲ هـ. ق. ادامه داشت. علت فروپاشی این حکومت، بیشتر به سبب غفلت از اصول و مبادی اسلامی بود، چرا که در اسلام حقوق تمامی افراد جامعه یک سان فرض شده، ولی خلفای اموی تنها به دوستان و هم وطنان عربشان توجه داشتند. در ۷۵۰ م. / ۱۳۲ هـ. ق.، ابوالعباس سفاح حکومت اموی را برانداخت و خود خلافت عباسی را تأسیس کرد و بغداد را مرکز خلافت خویش قرار داد. اتحاد سیاسی قلمرو اسلام رو به زوال بود و بسیاری از سرزمینهای تحت سلطهٔ عربان گرچه هنوز حاکمیت خلیفه را پذیرا بودند، ولی کم کم ادعای استقلال کردند.

اسپانیا هم چنان تحت سلطهٔ یک دولت محلی اموی و خلافتی به نام "اندلس" ^۱ "Al-Andalus" اداره می‌شد. پس از آن به شماری ایالت و پادشاهی کوچک تجزیه شد، اما تا ۱۴۹۲ م. / ۸۹۸ هـ. ق. درفش اسلام بر فراز آنها افراشته بود. در ۸۶۸ م. / ۲۵۵ هـ. ق.، مصر از قلمرو عربان جدا شد و حکومت مستقلی تحت فرماندهی "ابن طولون" ^۲ "Ibn - Tulun" به وجود آمد. وضعیت نا آرام ایران و آسیای مرکزی منجر به حکومت رسیدن خاندانی ایرانی شد (۸۷۴ م. / ۲۶۱ هـ. ق.). این خاندان که سامانیان خوانده می‌شدند، "بخارا" ^۳ را به پایتختی برگزیدند. ایشان تا ۹۹۹ م. / ۳۸۹ هـ. ق. حکومت کردند. دیگر خاندان ایرانی که حکومت کردند، بوییان بودند که از جنوب ایران برخاسته بودند. سران آل بویه به عراق حمله ور شدند و بغداد را در ۹۴۵ م. / ۳۳۴ هـ. ق. تصرف کردند. اینان شیعه مذهب بودند - شیعه مذهبی از اسلام است که پیروانش معتقدند خلیفهٔ مسلمانان پس از پیامبر (ص) علی (ع) است و خلفای بعدی باید از نسل او باشند - . با این وجود، آنان به ظاهر از خلیفهٔ عباسی اطاعت می‌کردند و گذاشتند که موقعیت خود را در ظاهر، حفظ کند.

سالهای سدهٔ دهم میلادی / چهارم هجری قمری در حقیقت مقارن است با حکومت سه خلیفه: عباسی در "بغداد"، امویان در "کوردوبا" ^۴، و خلفای فاطمی در "قاهره". فاطمیان ^۵

۱. ناحیه‌ای است در جنوب کشور اسپانیا. رشته کوههای "سیرا مورنا Sierra Morena" و "سیرا نوادا Sierra Nevada" در آن واقع است، و رود "وادی الکبیر Guadalquivir" آن را مشروب می‌کند. تازیان مسلمان در ۹۲ هـ. ق. به سرداری "طارق" غلام موسی بن نصیر، این ناحیه را به تصرف درآوردند و سپس بر تمام اسپانیا تسلط یافتند. چون سپاهیان اسلام نخست وارد اندلس شدند، مورخان اسلامی تمامی اسپانیا را "اندلس" خواندند. م.

۲. احمدبن طولون در ۲۵۴ هـ. ق. به نیابت حکومت، مأمور مصر گردید. چندی نگذشت که در آنجا اعلان استقلال کرد و در ۲۶۴ هـ. ق. / ۸۷۷ م. شام را بر حوزهٔ حکومت خود افزود و تا پایان حیات حکومت کرد (۲۲۰ - ۲۷۰ هـ. ق. / ۸۳۵ - ۸۸۴ م.). م.

۳. مؤلف سمرقند ثبت کرده است. بخارا امروز یکی از شهرهای جمهوری ازبکستان است. م.

۴. Cordoba از شهرهای قدیم اسپانیا که "قُرتَبه Qortoba" خوانده می‌شد. این شهر مدت‌ها مرکز تمدن اسلامی اسپانیا بود و آثار تمدن اسلامی هنوز در این شهر به خوبی دیده می‌شود. م.

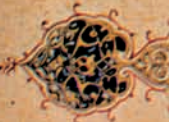
۵. فاطمیان، سلسله‌ای توانا که در مصر تشکیل شد و سپس در شام و بخشی از آفریقا گسترده شد. این سلسله را فاطمی گویند زیرا خلفای آن نسب خود را به فاطمه دختر پیامبر (ص) منتهی می‌دانند. تخته‌نگاه ایشان نخست شهر "مهدویه" نزدیک تونس بود و سپس به قاهره انتقال یافت و همین امر سبب از دست رفتن متصرفات غربی ایشان گردید، ولی قدرت فاطمیان در مصر و شام سالها بدون تزلزل برقرار ماند. م.



ابریق شیشه‌ای مصری با
تزیین و طلااندازی. قاهره، سدهٔ ۱۴م.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 الْمُنْشَرِحَ لَكَ صَدْرَكَ وَوَضَعْنَا عَنكَ وَزَّرْنَا لَكَ الَّذِي نَفَضَ ظَهْرَكَ وَرَضَعْنَا لَكَ
 ذِكْرًا فَاذْمَعِ الْعُسْرَ بِسْرًا اِذْمَعِ الْعُسْرَ بِسْرًا اِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ وَإِلَى رَبِّكَ اِنعَبْ



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 وَالتَّبَرَّ وَالرَّيْزُ وَالرَّيْزُ وَطُورِ سَيْنِينَ وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِيرِ لَفَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي
 أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
 فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدَ الْبَيِّنَاتِ وَالَّذِينَ يَحْكُمُ الْكَافِرِينَ



در ۹۶۹ م. / ۳۵۹ هـ. ق. حکومت خویش را بنیاد نهادند، به حکومت خود ادامه دادند تا سال ۱۱۷۱ م. / ۵۶۷ هـ. ق. که با حمله صلاح الدین ایوبی منقرض شدند. پس از انقراض فاطمیان، صلاح الدین ایوبی، سلسله ایوبیان را بنیان گذارد. ایوبیان تا میانه سده ۱۳ م. / سده ۷ هـ. ق. بر مصر و سوریه حکومت کردند. در همین زمان یکی از اقوام ترک ساکن آسیای مرکزی، به نام ترکان سلجوقی، به ایران و "آناطولی" تاختند و در ۱۰۵۵ م. / ۴۴۷ هـ. ق. بغداد را متصرف شدند. آنان بوییان را از حکومت برکنار کرده، و خلیفه عباسی را در سایه حمایت خود، بر اریکه خلافت نشانند. سلجوقیانی که بر ایران تسلط یافتند از ۱۰۳۷ - ۱۱۵۷ م. / ۴۲۹ - ۵۵۲ هـ. ق. حکومت کردند، و گروه دیگری از ایشان از ۱۰۷۷ - ۱۳۰۰ م. / ۴۷۰ - ۷۰۰ هـ. ق. بر فلات آناطولی حکم راندند. سلجوقیان در حمله مغولان به ایران شکست خوردند و مغولان خلیفه عباسی را به قتل رساندند و خود بر اریکه سلطنت تکیه زدند، و سلسله ایلخانان را تأسیس کردند. این خاندان تا ۱۳۴۹ م. / ۷۵۰ هـ. ق. یعنی زمانی که حکومت به دولتهای محلی تجزیه شد، بر ایران حکومت کردند. پس از آن تیمور که از نواحی مرکزی آسیا برخاسته بود، به ایران لشکر کشید و آن را متصرف شد و تا ۱۵۰۲ م. / ۹۰۸ هـ. ق.، او و جانشینانش - تیموریان - بر ایران حکومت کردند، و سرانجام خاندانی ایرانی به نام صفویان جانشین تیموریان شد و تا سال ۱۷۳۶ م. / ۱۱۴۹ هـ. ق. حکومت کردند. در ترکیه، ترکان عثمانی توانستند سلجوقیان را در ۱۲۹۹ م. / ۶۹۹ هـ. ق. شکست داده و خود بر مملکت حاکم شوند. دوران حکومت این قوم بسیار طولانی بود و سده‌ها به درازا کشید تا آن که در ۱۹۲۲ م. / ۱۳۴۱ هـ. ق. منقرض شد. در سده شانزدهم میلادی / سده دهم هجری قمری، سلاطین عثمانی اقدام به توسعه و کشور گشایی کرده و مرزهای قلمرو خود را تا کشورهای اسلامی و غیر اسلامی همسایه گسترش دادند. در ۱۵۱۷ م. / ۹۲۳ هـ. ق. سلسله "مملوک" Mamluk را که از ۱۲۵۸ م. / ۶۵۷ هـ. ق. در مصر و سوریه حکومت می کردند، شکست دادند. مملوکیان پس از کشته شدن آخرین خلیفه عباسی در ۱۲۵۸ م. / ۶۵۶ هـ. ق.، حکومتی در قاهره تأسیس کردند که تا ۱۵۱۷ م. / ۹۲۳ هـ. ق. زمانی که سلطان عثمانی حکومت را به دست گرفت، دوام یافت. در ۱۵۲۹ م. / ۹۳۵ هـ. ق. سلطان "سلیمان قانونی"، "وینه Vienna" را متصرف شد، و در ۱۵۴۵ م. / ۹۵۲ هـ. ق. "جبل الطارق Gibraltar" مورد

۱. Anatolia، شبه جزیره‌ای است در آسیای کوچک، و به طور کلی به آسیای کوچک گفته می شود. م.
۲. شاهان سلسله ممالیک مصر از غلامان ترک و یا چرکسی بودند که در آغاز جزو نگهبانان مزدور "الملک الصالح ایوب" بودند. نخستین ایشان "شجره الدر" زوجه الملک الصالح بود.
- ممالیک دو طبقه‌اند: "ممالیک بحری" که از ۶۴۸ - ۷۹۲ هـ. ق. بر مصر و شام حکومت کردند و نخستین ایشان شجره الدر بود و آخرینشان حاجی مظفر که در ۲۹۷ به دست ممالیک برجی از بین رفت؛ "ممالیک برجی" از ۷۸۴ - ۹۲۲ هـ. ق. بر مصر و شام حکومت داشتند. نخستین آنان "سیف الدین برقوق ظاهر" و آخرینشان "تومان بیگ اشرف" بود که به دست سلاطین عثمانی گرفتار شد. م.
۳. قدرتمندترین سلطان عثمانی - پسر سلیم اول - ملقب به "قانونی" (۹۲۶ - ۹۷۴ هـ. ق.). دوران سلطنت او دوره منتهای عظمت عثمانی است. ممالک عثمانی در سلطنت وی: از بودا پست و کناره دانوب تا آبشارهای آسوان در مصر، و از کناره فرات تا دهانه جبل الطارق وسعت داشت. م.

هجوم عثمانیان قرار گرفت.

با وجود آن که از سده ۸ م. / سده‌های اول و دوم هجری قمری یعنی هم زمان با یورش مسلمانان به غرب، هند نیز مورد تاخت و تاز ایشان قرار گرفته بود، ولی تا سده ۱۳ م. / سده ۶ هـ. ق. یعنی آن زمان که دهلی به تصرف "محمد غوری"^۱ درآمد، هیچ حکومت اسلامی در این سرزمین شکل نگرفت. محمد غوری غلام خود "قطب الدین آیبک"^۲ را به عنوان نیابت سلطنت، در دهلی بر تخت نشاند. آیبک نخستین پادشاه غلام [زاده] بود که از ۱۲۰۶ - ۱۲۸۷ م. / ۶۰۳

۱. غوریان در ۵۴۷ هـ. ق. بر بخش عمده شمال هندوستان دست یافتند و سلطنت خود را در سرتاسر سرزمینهایی که از دهلی تا هرات امتداد داشت بسط دادند. سلطان "معزالدین محمد" یکی از دو پادشاه مقتدر این سلسله بوده است. م.

۲. سلطان معزالدین محمد غوری پس از آن که هند شمالی را تا دهانه شط گنگ تسخیر کرد "قطب الدین آیبک" یکی از غلامان خود را به نیابت در دهلی گذاشت و چون محمد در ۶۰۲ هـ. ق. کشته شد، قطب الدین خویشتن را پادشاه هندوستان خواند و نخستین سلسله مسلمان را که فقط در هند فرمانروایی داشته‌اند، تشکیل داد. م.



صفحه از آغاز سوره قرآنی مذهب به خط نسخ و نستعلیق نوشته محمد رضا در شیراز، سده ۱۳ و ۱۴ هـ. ق.

۶۸۶ هـ. ق. در دهلی حکومت کرد، سپس سلطنت هند به دست "خَلجی‌ها" *Khaljids* افتاد و پس از آن، "توقلک‌ها" *Tughlaks* از ۱۳۲۰ - ۱۴۱۲ م. / ۷۱۰ - ۸۱۵ هـ. ق. حکومت کردند. در این زمان چند دولت محلی کوچک اسلامی نیز در هند به وجود آمد، اما دهلی قدرت خود را حفظ کرده بود. از ۱۴۱۴ - ۱۴۴۳ م. / ۸۱۶ - ۸۴۷ هـ. ق. "سید" *Sayyids* و از ۱۴۵۱ - ۱۵۱۹ م. / ۸۵۵ - ۹۲۵ هـ. ق. "لودیس" *Lodis* حکومت مرکزی را در اختیار داشتند. عصر طلایی هنر اسلامی هند، به ویژه در زمینه نقاشی، هم زمان با امپراتوری مغول بود که در ۱۵۲۶ م. / ۹۳۳ هـ. ق. توسط "بابر" *Babar*^۲ پایه گذاری شد. خاندان مغولی هند به جز پسر بابر "همايون" که مدت کوتاهی سلطنت کرد، تا آغاز سده ۱۹، بر هند حکومت کردند. امپراتور اکبر (۱۵۵۶ - ۱۶۰۵ م. / ۹۶۴ - ۱۰۱۴ هـ. ق.) بزرگترین امپراتور مغولی هند به شمار می آید.^۳ در زمان سلطنت او هنر بومی "هندو" با هنر اسلامی تلفیق شد، و گران بهاترین گنجینه‌های هنر هند را پدید آورد.

با توجه به فهرستی که از تمامی سلسله‌های حاکم بر قلمرو اسلامی ذکر شد، می‌توان گفت: هنر اسلامی ترکیبی است از عناصر گونه‌گون که تحت تأثیر اقوام حاکم و به ویژه هنر پیش از اسلام که پیش از عربان در این سرزمینها، رایج بوده شکل گرفته است. از هنر اعراب صحرا نشین گرفته تا هنر درخشان استپهای آسیای مرکزی، از هنر ایران باستان تا مصر و بیزانس و هنر بومی هند، همگی در غنای هنر اسلامی سهیم بوده‌اند. از جمله ویژگیهای بارز هنر اسلامی می‌توان به زمینه‌های لایتناهی نقشهای انتزاعی و حتا نقشهای مجازی اشاره کرد که در هنر تمامی کشورهای اسلامی دیده می‌شود. هنر اسلامی، هنری پُر مایه و غنی است. هنر اسلامی در عین حال که هنری مذهبی نیست، غنای مذهبی دارد. هنرمند مسلمان تحت تأثیر و نفوذ اسلام سعی کرده در تمام زمینه‌های هنری به مهارت قابل توجهی دست یابد؛ به طور مثال: در زیبا سازی و تذهیب نوشته‌ها، در کتاب کلام خدا، در بناها چه مذهبی و چه غیر مذهبی، در سفالگری، فلز کاری، شیشه و پارچه، و حتا در نگارگری و نقاشی مینیاتور که یک هنر مجازی به شمار می‌رفته و در اسلام جایز نبوده است. بدون شک، همه اینها در فرهنگ اسلامی مایه دارد. تمامی اینها، افزون بر خود دین، گنجینه‌های حقیقی اسلامی محسوب می‌شود.

۱. دومین سلسله مسلمان در هندوستان (۶۸۹ - ۷۲۰ هـ. ق. / ۱۲۹۰ - ۱۳۲۰ م.). این سلسله حوزه اقتدار مسلمانان را به ماوراء جبل وینضیا کشاند و بر ولایت دکن دست یافت. م.
۲. ظهیرالدین پسر عمر شیخ، نواده پنجم تیمور گورکان، بنیان گذار دولت گورکانی یا امپراتوری مغول در هند است. م.
۳. امپراتور اکبر، از سلسله تیموریان هند بود و کشور خود را به یاری وزیر خویش "ابوالفضل" منظم کرد و گسترش داد و جلوس او مبدأ "تاریخ اکبری" به شمار می‌رود.